



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بجثمان در این بود که: "المسلمون يتوارثون و إن اختلفوا في المذاهب"، این عبارت شرایع و قواعد و اکثر فقهاء ما می باشد، دلیلی که بر این مطلب اقامه شده این است که فرمودند کسی که شهادتین را بر زبان بیاورد مسلمان محسوب می شود، صاحب جواهر نیز به سراغ چند خبر از اصول کافی رفتند که در آنها بین اسلام و ایمان فرق قائل شده بودند و بعد ایشان فرمودند معیار اسلام است و اسلام نیز همان گفتن شهادتین می باشد بنابراین یک بحث مهم این است که آیا تمام فرق اسلامی با انشعاباتشان مسلمان محسوب می شوند یا نه؟ با توجه به اینکه خود پیغمبر اسلام صلوات الله علیه و آله فرمودند تنها یکی از فرق اسلامی برحق می باشد لذا ما می خواهیم ببینیم معیار در مسلمان محسوب شدن فرق مختلف اسلامی چیست؟

بنده معتقدم این یک بحث بسیار مهمی می باشد و ما روایات فراوانی برای معرفی مسلمان واقعی داریم و این روایات نیز مربوط به عمل می باشند و با توجه به عمل مسلمان را معرفی می کنند نه از راه لسان یا قلب یعنی عمل معیار و ملاک معرفی اشخاص به عنوان مسلمان واقعی می باشد.

اخبار مذکور هم از طریق ما و هم از طریق عامه نقل شده اند، در جلد ۵۸ بحار الأنوار این تعابیر در روایات ذکر شده:

اول: "المؤمن للمؤمن بمنزلة البنیان يشد بعضه بعضا"  
دوم: "مثل المؤمن في توادهم وتراحمهم كمثل الجسد إذا اشتكى بعضه تداعى سائره بالسهر والحمى."  
سوم: "المؤمنون يد واحدة علی من سواهم".

از طرق عامه نیز اخباری در کتب صحاح و کتب سنن آنها ذکر شده که در همه آنها مسلمان اینطور معرفی شده که: "المسلم من سلم المسلمون من لسانه و یده". (صحیح بخاری جلد ۴ و جلد ۵ کتاب الایمان، صحیح مسلم جلد ۶ کتاب الایمان، سنن ابی داود جلد ۲ کتاب جهاد، سنن ترمذی کتاب الایمان

حدیث ۱۲، سنن نسائی کتاب الایمان حدیث ۱۹، سنن دارمی کتاب جهاد حدیث ۸، مسند احمد بن حنبل جلد ۲ حدیث ۱۶۰ و حدیث ۱۶۲ و همچنین در جلد ۳ و ۴ و ۶ از مسند احمد بن حنبل نیز احادیثی ذکر شده که ماحصل همه آنها این است که: "المسلم من سلم المسلمون من یده و لسانه"، بنابراین ما روایاتی هم از طریق خودمان و هم از طریق عامه برای معرفی مسلمان داریم و همه اینها از طریق عمل مسلمان را معرفی می کنند نه به زبان و قلب و ادعای خود شخص.

صاحب جواهر اخباری را از اصول کافی نقل کرده بود که هر کسی شهادتین را بگوید مسلمان است و غیر از این ما یک اسلام داریم و یک ایمان، منتهی در همین اصول کافی ابوابی وجود دارد که این تعابیر در آنها بکار رفته: "من أصبح ولم يهتم بامور المسلمين فليس بمسلم" و "من سمع رجلا ينادي يا للمسلمين فلم يجبه فليس بمسلم" به عنوان نمونه چند خبر را می خوانیم:

خبر اول: ﴿علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن النوفلي، عن السكوني، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من أصبح لا يهتم بأمور المسلمين فليس بمسلم﴾.<sup>۱</sup>

خبر دوم: ﴿عنه، عن سلمة بن الخطاب، عن سليمان بن سماعة، عن عمه عاصم الكوزي عن أبي عبد الله عليه السلام أن النبي صلى الله عليه وآله قال: من أصبح لا يهتم بأمور المسلمين فليس منهم ومن سمع رجلا ينادي يا للمسلمين فلم يجبه فليس بمسلم﴾.<sup>۲</sup>

اخبار خیلی زیاد هستند منتهی چونکه این روایات حمل بر استحباب شده به آنها توجه نشده و به فقه ما وارد نشده اند منتهی ما نمی توانیم این اخبار با این صراحت را کنار بگذاریم و بنده معتقدم اگر به این روایات توجه شود وضع مسلمانان غیر از وضع فعلی خواهد بود و با توجه به این روایات خیلی می توان بحث کرد و جای چنین بحثهایی نیز حوزه های علمیه می باشد، بقیه بحث بماند برای روز شنبه إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على  
محمد و آله الطاهرين

<sup>۱</sup> اصول کافی، مرحوم کلینی، ج ۲، ص ۱۶۳، حدیث ۱.

<sup>۲</sup> اصول کافی، مرحوم کلینی، ج ۲، ص ۱۶۴، حدیث ۵.